

دهقانان در ایران دوره اسلامی

مونا جلالی

(دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات)

چکیده

دهقانان در ایران دوره اسلامی گروه‌های مختلف اجتماع نقش‌های متنوعی را در حفظ دستاوردهای فرهنگی، مذهبی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و مانند آن ایفا می‌کنند. دهقانان (دیهکانان) از طبقات برتر و با شرافت و اصالت در ایران پیش و پس از اسلام به شمار می‌روند که از احترام و ارج و قرب خاصی نزد مردم و دولت‌ها برخوردار بودند. آنان در نهایت سعه صدر و بزرگ منشی سعی می‌کردند تا فرهنگ ایرانی همواره پایدار بماند. در واقع دهقانان علاوه بر سهم بسیار در حفظ فرهنگ ایران، خود نیز از جمله کوشاترین افراد در پیشرفت و شکوفایی فرهنگ و تمدن ایران بودند.

واژه‌های کلیدی: ایران، فرهنگ، تمدن، دهقانان، اسلام.

۱- مقدمه

جنگ و گریز، و قهر و غلبه از ویژگی های زندگی اقوام پیشین بود، به طوری که نوع بشر به ناچار می بایست یا جزو قوم غالب و یا جزو قوم مغلوب باشد. در بررسی تاریخ قدرت های بزرگ روشن می شود که همواره گروهی بر سریر حاکمیت بودند و بخشی دیگر از طبقات عامه و زیر مجموعه قدرت به شمار می آمدند. ایران از جمله کشورهای دارای نظام طبقاتی در لایه های اجتماعی مردم به شمار می رفت؛ به عبارت دیگر، قبل از ورود اسلام به ایران، نظام طبقاتی به شدت به مردم ایران حاکم بود و دهقانان از جمله طبقات پایین به شمار می رفتند؛ خاندان هایی با اصالت، شرافت و نسب که پاسبانان نیکی برای بزرگداشت و نگاهداشت فرهنگ و تمدن ایران باستان بودند. در این مقاله سعی شده با عنایت به منابع مختلف، ابتدا درباره دهقانان و جایگاه آنان در ایران قبل از اسلام و سپس در مورد نقش ایشان در دوره اسلامی بحث کنیم.

واژه دهقان

دهقان معرف واژه فارسی «دهگان» است که از دو واژه «ده» و «گان» تشکیل شده است. «گان» پسوند نسبت است منسوب به ده و آن در قدیم به ایرانی اصیل صاحب ملک و زمین اعم از ده نشین و شهرنشین اطلاق می شده است. احتمال می رود که عرب ها ایرانیان را به سبب اشتغال به زراعت دهقان نامیده اند.

به اعتقاد دکتر معین، چون مالکان ایرانی دهقان نامیده می شده اند در اسلام از باب اطلاق جزء بر کل همه ایرانیان را دهقان نامیده اند. همچنین دهقنت را نیز به معنای کدخدا و ریاست ده گفته اند. (۱) در برخی از فرهنگ های فارسی کلمه دهقان را به معنای مورخ نوشته اند (۲) چرا که دهقانان ایرانی ناقل اخبار، سنن و روایات ایرانی در آغاز اسلام، بودند.

دهقان - به کسر و ضم - به معنای قادر و توانا بر تصرف کار بر سبکی و چستی و دانای کل و بازرگان یا می فروش نیز آمده است. (۳)

در دائره المعارف عربی کلمه دهقان چنین معنا شده است :

اسمی است که بر ساکنان فارسی گوی بلوچستان و جنوب افغانستان اطلاق می گردد. کلمه دیگر مترادف آن دیهوار است که هر دو به معنای روستایی می باشد و برخی از آنها منتسب به تاجیک ها می باشد و در ایران قدیم این گروه ساکنان ثابت مناطق مختلف را تشکیل می دادند. (۴)

لمبتون، مستشرق انگلیسی درباره کلمه دهقان می نویسد : کدخدا یا سرپرست ده که دارای زمین هایی بود به عنوان محصل مالیات و مأمول وصول مالیات به دیوان بود. در بلوچستان به معنای روستایی و زارع، در خراسان به معنای زارع وابسته به یک جفت زمین (اما نه صاحب حیوانات بارکش) که مسئول شخم زدن و بذر افشاندن است و سردهقان، هم زارعی را می گفتند که سرپرست دهقان های یک جفت زمین است. (۵)

موقعیت دهقانان در ایران قبل از اسلام

دهقانی رسمی بوده که از دیرباز در ایران رواج داشت. ابن بلخی در کتاب فارس نامه آنجا که به ذکر پادشاهان پیشدادی می پردازد، درباره منوچهر بن میشخوریار می نویسد :

... و آثار او آن است کی اول کسی که باغ ساخت او بود و ریاحین گوناگون بر کوهسارها و دشت ها رسته بود، جمع کرد و بکشت و فرمود تا چهار دیواری گرد آن درکشیدند و آن را بوستان نام کرد یعنی معدن بوی ها، دهقانی او پدید آورد و فرمود تا هر دمی را رعیتی باشد و هر شهری را رئیسی باشد... (۶)

از زمان هخامنشیان فنودال های کوچک در ایران شکل گرفتند. «گاه شاه یا یکی از وزیرانش یا گماشتگانش، زمینی را که در گذشته بخشیده بود باز تقسیم می کرد و این کار موجب پدید آمدن فنودال های کوچک می شد. (۷)

طبقه بندی اجتماعی دوره اشکانی به ساسانیان هم رسید. استرابون از چهارکاست سخن می گوید که در گرجستان می زیسته اند : فرمانروایان، روحانیان، سربازان و مردم عادی. (۸) دستگاه اداری شاهنشاهی ساسانی بسیار وسیع بود. در این دوره هنوز طبقه و روش اوستا که جامعه را به سه طبقه تقسیم کرده بود رعایت می گردید. در اوستا کشاورزان (در زبان پهلوی وستری اوشان) از پیشه وران (هتوخشان) جدا بودند. (۹) البته این تقسیم بندی بر حسب شرایط و روش جدیدی به وجود آمده بود؛ از

جمله وجود طبقه جدید مأموران و کارکنان دولت که در قرون پنجم و ششم بعد از میلاد پیدا شدند و طبقه بندی بین اصناف و طبقات، صورت تازه ای به خود گرفت. طبقه اول روحانیان بودند که شامل قضاوت، موبدان، نظار و واعظان و در رأس همه آنان موبد موبدان قرار داشت. طبقه دوم نظامیان بودند که وسپوهرها نمایندگان خاندان سلطنت و احتمالاً از خاندان های بزرگ و اشرافی به این طبقه تعلق داشتند. وزورگ ها یعنی بازرگان هم جزو همین طبقه بودند. آ. کریستن سن معتقد است فرق بین وسپوهرها و وزورگ ها در این بود که وسپوهرها غالباً مقامات و مناصب عالی را در دستگاه اداری به عهده داشتند و وزورگ ها نیز مالک املاک و اراضی زیادی بودند. قسمت اعظم طبقه نظامیان را آزات ها، یعنی آزاده‌ها، تشکیل می دادند. آزاده‌ها تحت اطاعت وزورگ ها و وسپوهرها بودند. از همین آزاده‌ها سواره نظام چریک به وجود آمده بود. اینان از لحاظ مالی با یکدیگر فرق داشتند. بعضی خرده مالک و برخی کشاورزان آزادی بودند که وضع زندگانی آنان با سایر کشاورزان تفاوت چندانی نداشت. منابع تاریخی، آزاده‌ها را به دهقان ها و کاتاک خواتای (کدخدا) تفکیک می کنند. طبقه سوم، پیران بودند و طبقه چهارم (وستریوشان) شامل کشاورزان، صنعتگران (خوتو خشان) و بازرگانان (و چروکانان) بودند. ریاست این طبقه با وستریوشان سالار بود. مشاغل این طبقات و اصناف موروثی بود. (۱۱)

در دوره ساسانی نظام فئودالی برای حکمفرما بود. با این حال اطلاعات در این مورد فراوان نیست. اما آنچه آشکار است این که دولت به شدت به مالیات های آنان وابسته است. بیشترین گروه، زمین داران متوسط بودند که آزادگان نامیده می شدند. (۱۲) درباره فایده این نوع نظام زمینداری در ایران قبل از اسلام باید اذعان داشت که هرچند بخشی از آزادی های فردی روستائیان از میان رفت، اما در عوض سنت های درست و اصولی کشاورزی و نگاهداری زمین ها حفظ شد؛ در نتیجه ترقیات و تحولات تازه ای در این باره به وجود آمد. در این راستا زمین داران کوچک و خرده مالکان نمی توانستند زمین های خود را حفظ کنند و زمین ها به صورت وسیع و تحت نظر مالکان بزرگ درآمد. برخی منابع قدیم بر این باورند که همکاری دهقان ها و شاهان ایران قبل از اسلام (مانند زمان انوشیروان ساسانی) باعث رضایت مندی دولت و موجب آبادی روستاها و رفاه روستائیان گردید. ابن بلخی در فارسانه می نویسد: «... به اتفاق جهانیان او را عادل لقب دادند.» (۱۳) زارعان، وابسته به اراضی، املاک دولت، بزرگان و یا آتشگاه ها بودند. مالکان بزرگ اراضی بیش از پیش مقتدرتر گردیدند و مالکان کوچک مجبور بودند که برای رفع بحران اقتصادی و تعدیات دولت، خود را تحت حمایت مالکان بزرگ قرار دهند. چون بزرگان مزبور می باید مالیات را برای دولت جمع آوری کنند، تعداد کسانی که تحت نظارت آنان بودند افزایش یافت. برای دولت بدین صورت جمع آوری مالیات و عوارض آسان شده بود. قدرت زمین داران در ایران تا حدی رسید که پادشاه از نظر مالی و نظامی وابسته به آنان شدند. ثروت فراوان و کاخ های مجلل روستائیان عالی رتبه از آنها اعیانی ساخته بود که جداگانه در املاک وسیع خود و کاخ های خویش زندگی می کردند و دارای سربازان و خدمه و غلامان بسیار بودند. طبقه اول به قدری قدرت یافت که همان طور که اشاره شد، شاه نیز نمی توانست جلو آنها بایستد. (۱۴)

موقعیت دهقانان در جامعه ایران اسلامی

در اواخر عمر پراشوب حکومت ساسانی، اعراب مسلمان ایران را در مدت زمان کوتاهی فتح کردند. در پی این واقعه بزرگ، طبقات و گروه های مختلف جامعه ایرانی دچار تحولاتی گردید. اما شالوده اصلی برخی از خانواده های ایرانی همانند گذشته پابرجا و دست نخورده ماند. از این میان می توان به دهقانان اشاره کرد. دهقانان قبل از اسلام از طبقه نجبا و اشراف ایران محسوب می شدند.

و این پادشاهی به دست ایشان بود و از کار و رفتار و از نیک و بد از کم و بیش ایشان دانند. پس ما را به گفتار ایشان باید رفت. (۱۵)

نوشته های تاریخی چنین بر می آید که این گروه از جامعه ایرانی کمتر از اقوام دیگر با تازه واردان به ایران و بیگانگان آمیزش داشته اند. این خانواده ها سعی بلیغ در ازدواج های خانوادگی میان خودشان داشته اند. برخی درباره وضع نژادی این دهقانان و ایرانیان پیش از حمله مغول به جای «ایرانی واقعی» گاه کلمه دهقان را به کار برده اند، برای مثال در دو بیت از فردوسی کلمه دهقان درست به معنا ایرانی در برابر ترک و تازی به کار رفته است :

ز ایران و از ترک و از تازیان نژادی پدید آید اندر میان
نه دهقان، نه ترک و نه تازی بود سخن ها به کردار بازی بود

در بیت ذیل از منظومه «لیلی و مجنون» نظامی، دهقان در برابر عرب استفاده شده است :

دهقان فصیح پارسی زاد

از حال عرب چنین خبر داد

مسلمانان در دوره خلافت عمر (۱۳-۲۳ق) در ترکیب زمین های زراعتی و نحوه اداره آنان دخالت چندانی نکردند. دهقانان همچنان مأمور جمع آوری مالیات رعایا و کشاورزان بودند و در دوره اسلامی نیز به این کار ادامه می دادند. پس از مدتی این دهقانان به عنوان عامل یا همان والی ناحیه خویش منسوب می شدند. در واقع می توان گفت ایشان واسطه میان کشاورزان جزء و دولت به حساب می آمدند. از نخستین کارهای سعدوقاص، فاتح قادیسیه، این بود که دهقانان را گرد آورد و آنها را به آنچه در نظام قدیم بر عهده داشتند همچنان متعهد ساخت، یعنی به آنها گفت که همچنان به کار و انجام وظایف خود ادامه دهند و از آن پس خود را در برابر نظام جدید پاسخ گو بدانند. همین امر باعث گردید که درگیر و دار جنگ ها و آشفتگی های روانی که آن را دوران فتوح خوانده اند به دیوان خراج و سازمان های مختلف آن که همچنان زیر نظر دبیران و دیوانیان ایرانی به کار خود ادامه می دادند؛ چندان آسیبی نرسد و این دستگاه ها پویا و استوار بمانند. (۱۶) در زمان حکومت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نیز نام دهقانان را در ردیف اسواران و ده سالاران برای جمع آوری مالیات می بینیم. (۱۷)

با گسترش سیستم اقطاع از قرن پنجم هجری و انحطاط طبقات زمین دار به تدریج اهمیت و اعتبار دهقانان کاستی گرفت و واژه دهقان به تدریج از معنای «خرده مالک و مالک» به معنای «روستایی، زارع و کشاورز» یعنی معنایی که در اصل داشت تحول یافت؛ اگر چه در قرن ششم و هفتم هنوز این کلمه در معنای مالک به کار می رفت. کم کم دلالاتی به نام جهیز جای دهقانان را گرفتند (۱۸) در دوره های بعد از ورود اسلام به ایران، کم کم مقام دهقانان بزرگ و دارای مقام در جامعه ایران تنزل یافت، به نحوی که مقام کدخدا (کذخدای) که مهم ترین مأمور محلی زمین های مزروعی به حساب می آمد، تحت نظر دولت گردید و کلمه دهقان به معنای زارع و روستایی درآمد. کدخدا در املاک اربابی در واقع حکم نوکر یا مباشر مالک را پیدا کرد و کم کم کار تا آنجا پیش رفت که مسئول انتظامات عمومی ده و رفع منازعات و اغتشاشات گردید. (۱۹) کدخدا همچنین سهم و بهره ای از مالیات و محصولات اخذ شده را بر می داشت. (۲۰)

بسیاری از دهقانان ایرانی که به دین زرتشت بودند از آن دین برمی گشتند و اسلام را پذیرفتند؛ اما آنان حامل سنت ها، فرهنگ، آداب و رسوم نژاد خود بودند. این در حالی است که قبطیان مصر در طی قرون متمادی حکومت یونانیان تا بیزانس فاقد طبقه ای بودند که سنت ها و فرهنگ خویش را حفظ کنند. وضعیت کشاورزان و دهقانان بستگی به برخورد دولت ها با آنان داشت. در روزگار بنی امیه به سبب سخت گیری های بسیار، زمین های زراعی رو به خرابی گذاشت و بسیاری به شهرها پناهنده شدند؛ ولی در زمان بنی عباس با اعمال سیاست های جانبدارانه از زمین داران و امور کشت و زرع، وضعیت عمومی این قشر به حالت خوبی بازگشت و این جریان از میزان مالیات ها کاملاً مشهود است. (۲۱) بنابراین مشاهده می گردد که وضعیت کشاورزان همیشه یکسان نبوده است.

دهقانان (اشراف محلی) از معدود طبقات ایران قبل از اسلام به شمار می آمدند که مورد وثوق و اعتماد هم فاتحان مسلمان و هم جامعه ایرانی بودند. دانیل در این باره چنین می نویسد :

روستاییان امور خود را به طور کلی توسط تشکیلات محلی حکومت های بلدی و به کمک یکی دو نفر از طبقه «دهقان» اداره می کردند و این دهاقین در برابر حمایت اعراب پرداخت مبلغی را متعهد بودند. (۲۲)

شایان ذکر است مالیاتی که توسط دهقانان جمع آوری و پرداخت می شد از نوع مالیات زمین یا همان خراجی بود. در ایران قبل از اسلام پرداخت مالیات سرانه (جزیه) نشان حقارت و ضعف تلقی می گشت. و معمولاً ویژه طبقات پایین جامعه بود؛ به همین دلیل در دوره اسلامی بسیاری از دهقانان مسلمان می شدند.

قبول اسلام فقط موجب معافیت از مالیات سرانه بود. مالیات سرانه در نظر ایرانیان علامت تعلق به طبقه پایین اجتماعی بود و این طرز تفکر در دوره حکومت عرب ها نیز ادامه داشت. (۲۳)

معمولاً دهقانان را مایه خیر و برکت و آبادانی می دانستند و اگر ناحیه ای را با وجود دهقانانش توصیف می کردند حاکی از آبادانی آن ناحیه بود. این نکته در نوشته های صاحب حدود العالم در قرن چهارم به کرات دیده می شود. (۲۴) از رسوم ایرانیان قبل از اسلام که دهقانان به حفظ آن همت گماشتند، رسم هدیه نوروز به خلفا بود. امام علی (علیه السلام) زمانی که دهقانان ایرانی هدیه نوروز تقدیم کردند دستور دادند تا آنان را از بابت مالیات ایشان به حساب بیاورند.

دهقانان و پیشرفت های علمی

پس از ورود اسلام به ایران و مسلمان شدن این سرزمین، زبان و خط عربی به سرعت رواج یافت، به طوری که در قرن های اولیه هجری در ایران کمتر به نگارش های فارسی برمی خوریم. حتی دولتمردانی چون طاهریان (۲۰۵-۲۵۵ق) که خود اولین سلسله نیمه مستقل ایرانی بودند. بعد از اسلام به شمار می روند، برای زبان فارسی اهمیت چندانی قائل نبودند. با این حال به وجود آمدن یک طبقه از رهبران سیاسی محلی و شکفتن علم و ادب در زبان اصلی به حد قاطعی به حفظ و استقلال زبان ایرانی خدمت کرد. (۲۶)

تا مدت ها پس از ورود اسلام به ایران کلمه دهقان با کاربرد محترمانه ای همراه بود. سلمان فارسی از آن رو که پدرش دهقان بود. افتخار می کرد در روایتی وی خود را دهقان زاده ای از جی اصفهان معرفی کرده است. (۲۷) دهقانان از جمله قشرهای مورد توجه جامعه بودند و درباره آنها مطالبی نگاشته شده است. نجم الدین رازی (دایه) از عرفای قرن هفتم هجری در کتاب مرصادالعباد (باب پنجم، فصل ششم) به این سلک با نام «در بیان سلوک دهاقین و رؤسا و مزارعان» پرداخته است و امر و نهی های اخلاقی را به ایشان گوشزد نموده است. (۲۸)

فردوسی را نیز دهقان زاده دانسته اند. مطمئناً او از تاریخ نیاکان خود و از داستان ها و افسانه ها و تاریخ ایران اطلاع یا به دانستن آنها شوق و علاقه داشت و تربیت خانوادگی وی را بر آن داشت که به این کار سترگ دست زند. فردوسی در آن هنگام از تمکن مالی خوبی برخوردار بوده و زندگی و سرمایه خود را در این راه مصرف کرد. بسیاری از شاعران ایرانی از خانواده های اصیل ایرانی بودند که به حفظ فرهنگ فارسی عشق می ورزیدند و در صدد حفظ ارزش های ملی ایران بودند.

ایرانیان با تقویم خورشیدی آشنا بودند (اعراب تقویم قمری داشتند)، زیرا شغل ایشان کشاورزی بود؛ از این رو می بایست اطلاعات و آگاهی هایی در مورد نجوم و به طور کلی اجرای سماوی می داشتند؛ بنابراین می توان گفت بی شک دهقانان و طبقه کشاورزان ایرانی در انتقال نجوم و احکام آن به تمدن اسلامی سهم داشته اند. ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه می نویسد: ...چه هر کس در کتاب های نجومی دقت کند می فهمد که آگاهی ایشان در این امر بیشتر از اطلاعات کشاورزان جاهای دیگر در فهمیدن موسم هر عمل و اوقات و آفات نیست.

سپس بیرونی به تفصیل به توجه ایرانیان به خصوص دهقانان به نگاهداشت ایام و اعیاد می پردازد. (۲۹)

به طور کلی در بررسی های تاریخی متون دوره اسلامی می توان نمونه های فراوانی از هوش و ذکاوت دهقان زاده های ایرانی را دید، برای مثال می توان به سخنان یعقوب لیث صفار با روستاییان سیستان اشاره کرد. (۳۰)

دهقانان و امور سیاسی

در قرن اول هجری، دهقانان در جنگ های اعراب مسلمان در جبهه حمایت از کیان و ایران و ایرانیان کوشش بسیار کردند. پیش از اسلام، شهریاران ایران از دهقانان در جنگ های خود کمک بسیار می گرفتند. از آنجا که دهقانان از بزرگ ترین نیروهای کمک کننده به درگیری ها، چه از نظر مالی و چه پشتیبانی سربازی های جنگی، به شمار می رفتند، بنابراین سهم بسیار زیادی را در شکست ها و پیروزی ها برعهده داشتند.

در جریان فتح ایران به دست مسلمانان عده ای از دهقانان مناطق مختلف ایران (در عراق کنونی) مسلمان شدند و زمانی که دهقانی مسلمان می شد رعایای دیگر نیز دنبال وی اسلام می آوردند. بلاذری از چند دهقان در این خصوص نام می برد؛ مانند جمیل بن بصری دهقان فللیج و نهرین، بسطام بن نرسی دهقان بابل و خطرنبه، رفیل دهقان عال، فیروز، دهقان نهرالملک و

کوئی. به دستور عمر جزیه از آنان برداشته شد، ولی همچنان خراج می پرداختند. (۳۱) گاهی نیز دهقانی مقاومت می کرد مانند دهقان مهرود در شرق دجله که با هاشم بن عتبّه، سردار مسلمان، به قرار پرداخت مبالغی صلح نمود، اما در نهبان به مقاومت و درگیری با مسلمانان پرداخت. (۳۲)

دهقانان در دوره اسلامی همچنان بخشی از طبقات ممتاز جامعه به شمار می رفتند. در زمان حکومت حضرت علی (علیه السلام) میزان خراج برای گروه ها و افراد مختلف متفاوت بود. بلاذری ضمن شرح این مطالب می نویسد :
و مرا بفرمود تا بر دهقانانی که بر یابو سوار می شوند و انگشتی طلا به دست می کنند هر نفر ۴۸ درهم و بر بازرگانان میانه حال هر نفر ۲۴ درهم در سال و بر مزدوران و سایر کسان هر مردی دوازده درهم قرار دهم. (۳۳)

از این گفتار معلوم می گردد که دهقانان به مراتب از درجات بالاتر و ثروت بیشتری نسبت به قشر بازرگان برخوردار بودند. دهقانان در قرن های سوم و چهارم هجری در ماوراء النهر نقش داشتند. فتح طراز به دست سامانیان و گرایش امیر طراز و بسیاری از دهقانیان آن ناحیه به اسلام و تبدیل کلیسای آنجا به مسجد جامع، زمینه نفوذ اسلام را در آن ناحیه فراهم آورد. با این حال وضعیت دهقانان به گونه ای نبود که بتوان برای آنان در تحولات سیاسی جامعه نقش و سهم به سزایی را قائل شد. با بررسی مدارک و اسناد تاریخی می توان به این واقعیت، دست یافت که در اکثر قریب به اتفاق حوادث و آشوب های سیاسی قرون اولیه اسلامی، دهقانان کمتر از سایرین در این گونه مسائل دخالت می کردند و بیشتر سعی می کردند در انجام سایر امور مانند زراعت و مسائل مربوط به زمین و گاه امور فرهنگی فعالیت کنند. در دوره سامانیان، دهقانان در دربار ایشان از اعتبار و مقام برخوردار بودند. رودکی در این باره می سراید :

یک صف میران و بلعمی بنشسته

یک صف حرّان و پیر صالح دهقان (۳۴)

نتیجه گیری

پیش از اسلام در طبقات مختلف اجتماع ایرانیان، گروهی به نام دهگانان (دهقانان) به چشم می خورد. گاهی طبقات یک جامعه به لحاظ ثروت یا برتری های خاص ارزیابی می شوند؛ اما در مورد طبقه دهقانان باید گفت این گروه به لحاظ شرافت ها و اصالت های ذاتی و مناعت طبعی که داشتند مورد احترام و ارج و قرب خاصی بودند. این احترام معمولاً هم از جانب مردم و هم دولت ها بود. در واقع آنان خود زمین دارانی بودند که واسطه میان شاه و رعایای پایین تر و مأمور وصول مالیات بودند. پس از فتح ایران به دست اعراب مسلمان، طبقات اجتماعی مردم دستخوش تحولات بسیاری شدند. ثروتمندان و لایه های بالا و همچنین طبقات ضعیف تر و ناتوان آن چنان درهم آمیختند که گاه جدا ساختن آنها از یکدیگر بسیار سخت می نمود؛ اما در این بین برخی از گروه ها همچنان استوار ماندند و از موضع و اصالت خانوادگی خویش دفاع کردند آنها حتی در حفظ زبان، فرهنگ و آداب ها و رسوم خود از هیچ تلاشی فروگذار نکردند. بسیاری از بزرگان ایران زمین از اینکه دهقان زاده بودند بر خود می بالیدند و همه اینها نشان از بزرگی این خانواده ها دارد.

منابع مورد استفاده

۱. محمد معین، فرهنگ فارسی (تهران : امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۱) ذیل دهقان.
۲. محمد حسین خلف تبریزی، برهان قاطع (تهران : امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۶۲) ذیل دهگان.
۳. محمد پادشاه، فرهنگ جامع فارسی آندراج (بی جا : انتشارات خیام، چاپ دوم، ۱۳۶۳) ذیل دهقان و دیهقان.
۴. دایره العمارف عربی، مقاله لونگریث ادیمز.
۵. آن.کی. لمبتون، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری (تهران : علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۷۷) ص ۷۸۸.
۶. ابن بلخی، فارسنامه (تهران : دنیای کتاب، چاپ سوم، ۱۳۶۳) ص ۳۷.
۷. همان، ص ۱۸۶.
۸. ریچارد فرای، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا (تهران : امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۷) ص ۳۴۹.
۹. همان، ص ۸۹.

۱۰. میخائیل دیاکونف، تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی ارباب (تهران: علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۸۲) ص ۳۲۵.
۱۱. همان، ص ۳۲۶.
۱۲. پیگولوسکایا و دیگران، تاریخ ایران، ترجمه کریم کشاورز (بی جا: انتشارات پیام، چاپ چهارم، ۱۳۵۴) ص ۸۲.
۱۳. ابن بلخی، پیشین، ص ۱۰۸.
۱۴. ر.گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین (تهران: علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۷۷) ص ۴۱۲.
۱۵. حسن تقی زاده، بیست مقاله، ترجمه احمد آرام، و کیکاووس جهانداری (تهران: علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۸۱).
۱۶. محمد محمدی، پیشین، ج ۲، ص ۱۰۴.
۱۷. احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکلی (تهران: نشر نقره، چاپ دوم، ۱۳۶۷) ص ۵۶۸.
۱۸. ان.کی. لمبتون، پیشین، ص ۱۰۲.
۱۹. همان، ص ۵۸۹.
۲۰. همان، ص ۵۹۳.
۲۱. جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام (تهران: امیرکبیر، چاپ هفتم، ۱۳۷۲) ص ۲۸۷.
۲۲. دانیل دنت، مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام، ترجمه محمد علی موحد (تهران: خوارزمی، چاپ سوم، ۱۳۵۸) ص ۴۹.
۲۳. همان، ص ۷۷.
۲۴. حدود العالم، به کوشش منوچهر ستوده (تهران: طهوری، ۱۳۶۲) ص ۸۳.
۲۵. محمد محمدی، پیشین، ص ۸۸.
۲۶. برتولد اشپولر، تاریخ ایران، در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری (تهران: علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۴) ج ۱، ص ۴۲۷.
۲۷. مجمل التواریخ و القصص، تصحیح ملک الشعرا بهار (بی جا: انتشارات کلاله خاور، ۱۳۱۸) ص ۲۴۲.
۲۸. نجم الدین رازی، مرصاد العباد، به اهتمام ریاحی (تهران: علمی و فرهنگی، چاپ دهم، ۱۳۸۳) ص ۵۱۳.
۲۹. ابوریحان بیرونی، آثار الباقیه، ترجمه اکبر دانا سرشت (قم: امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۳) فصل نهم.
۳۰. تاریخ سیستان، تصحیح محمد تقی بهار (تهران: موسسه خاور، ۱۳۱۴) ص ۲۷۰.
۳۱. احمد بن یحیی بلاذری، پیشین، ص ۳۷۹.
۳۲. همان، ص ۳۷۸.
۳۳. همان.
۳۴. تاریخ سیستان، ص ۳۱۹.